

● چای چگونه در ایران کاشته شد؟

چای که امروز محبوب‌ترین نوشیدنی ایرانی هاست و هرکدام از ما چندین نوبت در روز آن را می‌نوشیم، سابقه چندانی ندارد، شاید چیزی کمتر از دو قرن. اگرچه برخی معتقدند که پیشینه مصرف آن در ایران به سده دوم میلادی می‌رسد؛ زیرا برخی از جهانگردان آن دوران از چای خانه‌هایی سخن گفته‌اند که بزرگان و توانگران در آن‌ها جمع می‌شده و چای می‌نوشیده‌اند. این صحبت حتی اگر هم درست باشد، باز حرفی از عمومیت چای نمی‌زند، کمااینکه ابوریحان بیرونی در کتاب «الصیدنه» خود که در نیمه اول قرن پنجم نوشته شده، جزئیاتی درباره گیاه چای و استفاده از آن به‌عنوان نوشیدنی در تبت و چین داده است. او نوشته: «چای از نوع نباتات است و معدن آن در بلاد چین است. آن را در بلاد چین قرص‌ها کنند و به اطراف برند.» او همچنین چای را در قالب پنج‌گونه و بر حسب رنگ (سفید، سبز، بنفش، خاکستری و سیاه) می‌شناسد و مشخص می‌کند که چای سفید از همه بهتر است و نادرالوجود که بیشترین تأثیر را بر بدن دارد.

امااز عادت چای‌نوشی در ایران سند درستی در دست نیست؛ ظاهر این عادت تا قرن هفتم هجری به غرب آسیا و ایران نرسیده و ممکن است مغول‌ها در اشاعه آن تأثیر داشته باشند. حکیم محمد مؤمن ابن میرمحمد زمان حسینی تنکابنی، پزشک ایرانی نیمه دوم قرن هفدهم میلادی، از چای ختایی به‌عنوان یک گیاه دارویی یاد می‌کند که از آن زماذ ساخته می‌شود و در درمان ورم‌های حاد مؤثر است.

همه منابع نشان می‌دهند که تا نیمه اول قرن سیزدهم میلادی در ایران قهوه نوشیدنی اصلی بوده و قرن نوزدهم زمانی است که تبدیل ناگهانی و کامل نوشیدنی اصلی ما به چای رخ داده است. گویا این تغییر پیش‌تر در افغانستان اتفاق افتاده است، جایی که سروان الکساندر برنز، دیپلمات و کاشف بریتانیایی اظهار می‌کند: «هیچ‌کاری در این کشور بدون چای انجام نمی‌شود، چایی که در همه زمان‌ها و ساعت‌ها دست‌به‌دست می‌شود و به‌گفت‌وگو ویرگی اجتماعی می‌بخشد.»

به همین نسبت این اتفاق ممکن است چند قرن بعد و توسط امیرکبیر، وزیر اعظم ناصرالدین شاه، صورت گرفته باشد و او نقش اساسی در ترویج چای‌نوشی در ایران داشته باشد؛ او در سال ۱۲۶۶ قمری، برابر ۱۲۲۸ خورشیدی دو ست چای، از جمله سماورهای نقره، از دولت فرانسه و یک ست دیگر از تاجری روسی هدیه می‌گیرد.

امیرکبیر همچنین انحصار سماورسازی را با یارانه دولتی به استادکاری در اصفهان اعطا می‌کند. اگرچه این تاجر اصفهانی مدتی بعد همه وجوه دولتی را برمی‌گرداند و تجارت خود را تعطیل می‌کند، اما این مسئله مؤید آن است که چای به نوشیدنی رایجی بدل شده است.

علاوه‌براین اسناد زیادی از عزاداری‌های محرم در حرم رضوی وجود دارد که در آن چای و قند سرو شده است؛ البته کافی است به رقم پولی این اجناس در سباق‌های همان دوره نگاه کرد تا فهمید که چای و قند از گران‌ترین اقلام این عزاداری‌ها بودند و بدیهی است که مردم عادی امکان تهیه آن‌ها را به‌عنوان یک نوشیدنی رایج نداشته باشند؛ ضمن اینکه در همین دوره قاجار و در ایامی که کالاهای روسی تحریم می‌شوند، مردم در مجالس محرم مشهد از حلیم به‌جای قند و چای استفاده می‌کنند که این مسئله از ارزش این اقلام در نزد مردم آن روزگار نشان دارد. به‌هر ترتیب «چایخانه» در همین دوره قاجار با افزایش واردات چای و قند به ایران رونق می‌گیرد. براساس گزارش کنسولی بریتانیا درباره تجارت اصفهان و یزد (دفتر خارجی، سری سالانه، ۱۸۹۶، شماره ۱۶۶۲)، ایران در سال ۱۸۹۵ قمری، برابر با ۱۲۷۴ خورشیدی عمده‌تا ۲میلیون پوند چای سیاه از هند وارد می‌کرده است.



محمد میرزا کاشف السلطنه

درباره ورود و رواج چای به مشهد در کتاب «تفریحات ایرانیان»، نوشته رودی مته، آمده است، «در دهه ۱۸۷۰ مقام‌یر بسیار اندکی چای از طریق قزلباش به ایران می‌رسید، درحالی‌که مقدار یر مشابهی با عبور از استراباد به مشهد و هرات حمل می‌شد.» او همچنین می‌نویسد: «در خراسان از یک‌ها و سایر کوچ‌نشینان چای اجری خود را داشتند که آن را با نان و کره به‌اضافه‌کمی نمک مخلوط کرده و مصرف می‌کردند. چای سبز چینی که با مقدار زیادی قند و شکر نوشیده می‌شد، در مراکز شهری مثل مشهد برای مهمانان آورده می‌شد.» اما همان‌طور که فریزر سیاح اشاره کرده است «مردم فقیر چای نمی‌خوردند.» چای خوردن فقر را زیاد طول نمی‌کشد و کم‌کم چای جزو جدایی‌ناپذیر زندگی مشهدی‌ها می‌شود. روزنامه

درباره کاشف‌السلطنه که کشت چای را در ایران رونق داد و پدر محبوب‌ترین نوشیدنی ماست

چندو چون چای



با توجه به وضع قانون انحصار قند و شکر و چای در خرداد۱۳۰۴ شمسی و کسب درآمد دولت از این محل و در کنارش معافیت ده‌ساله باغ‌های چای از پرداخت مالیات، صنعت چای ایران رونق گرفت و سطح زیر کشت در سال ۱۳۱۹ به حدود ۴هزار هکتار و تعداد کارخانه‌های چای نیز به چهارده کارخانه رسید.

عکس: مزارع چای لاهیجان در دهه ۴۰ خورشیدی



روزنامه‌نگار

حسین بینات

همین اعداد کافی است تا بدانیم که در همین سال‌ها هم تلاشی برای کشت چای در ایران صورت گرفته است. نخستین تلاش برای داشتن مزرعه چای در ایران در سال ۱۲۹۲ قمری برابر با ۱۸۷۵میلادی توسط یک کارآفرین انگلیسی که نامش مشخص نیست، انجام شده است. بعد از صدور مجوز کشت چای توسط شاه، این انگلیسی تلاش می‌کند در گیلان مزرعه‌ای ایجاد کند، اما گویا به دلیل وضعیت نامناسب بهداشتی آن سامان مجبور به ترک کشور می‌شود. بعد از او حاج محمد حسین اصفهانی نیز که سال‌ها در کار خرید و یخش چای است، در سال‌های ۱۸۸۴ و ۱۸۸۵ میلادی (۱۲۶۱ یا ۱۲۶۲ خورشیدی) اقدام به کاشت بذر چای در لاهیجان می‌کند که با وجود موفقیت، کارش توسعه نمی‌یابد.

کاشت چای در ایران صورت نمی‌گیرد تا در سال ۱۲۸۰ خورشیدی شاهزاده محمد میرزا قائلو با ۲هزار گلدان چای از هند عازم ایران عهد مظفری می‌شود.

● تلاشی که به ثمر نشست

محمد میرزا قاجار قائلو که بعدها به کاشف‌السلطنه ملقب می‌شود و بعدتر هم نام فامیلی چای‌کار می‌گیرد، متولد اول فروردین ۱۲۴۴ خورشیدی در تربت حیدریه است. او فرزند ارشد اسد... میرزا نایب‌الایاله است که در شانزده‌سالگی، به استخدام وزارت امور خارجه درمی‌آید و در ۱۲۶۰ خورشیدی بعد از دو سال منشیگری

رابطه پدر چای و اولین شهردار تهران

«احتسابیه» شکل می‌گیرد که همچون داروغه و محتسب وظایف شهری را زیر انجام می‌دهد. این نهاد پابرجاست تا اینکه شاه در سفر فرنگ تشکیلات شهرداری را می‌بیند و در مراجعت به تهران درصدد برمی‌آید که برای شهر تهران به سبک فرنگ شهردار انتخاب کند. درحالی‌که هنوز در ایران بلدیة یا همان شهرداری وجود ندارد و کماکان اداره امور شهرها و نظارت بر امر نظافت و تعیین قیمت مایحتاج عمومی توسط همان اداره احتساب اداره می‌شود. پیرو امر شاه، اداره احتساب به دو اداره «احتساب» و «تنظیف» تجزیه می‌شود و هریک از این ادارات عده‌ای مأمور و فراش در اختیار می‌گیرند اما شکل‌گیری بلدیة تا دوره مشروطه بلا تکلیف می‌ماند. از جمله نخستین کارهایی که بنیان مشروطیت به آن توجه می‌کنند، سرو سامان دادن به اداره امور شهرها و تدوین قانون بلدی و تشکیل سازمان بلدیة است که

داستان رونق چای در مشهد

«ناصری» در خبری که سال ۱۳۰۴ قمری نوشته است، «به اهتمام شجاع‌الدوله کمال امنیت و انتظام حاصل است. چند روز قبل به حکم حکومت در شهر جار کشیدند که قهوه‌خانه‌ها بکلی موقوف باشد و یک دکان چای‌پزی را که باز بوده خراب کرده، به جای آن قنادی ساختند.» گویا تهیه و توزیع چای نیز در این دوران توسط تجارت‌خانه انگلستان در مشهد انجام می‌گرفته است و آن‌گونه که روزنامه «دولت علیه ایران» در جمادی الاول ۱۳۰۷ قمری سیاه کرده، هرساله ۲۰۰هزار فرانک، هزینه گمرک ورود چای به خراسان



با توجه به وضع قانون انحصار قند و شکر و چای در خرداد۱۳۰۴ شمسی و کسب درآمد دولت از این محل و در کنارش معافیت ده‌ساله باغ‌های چای از پرداخت مالیات، صنعت چای ایران رونق گرفت و سطح زیر کشت در سال ۱۳۱۹ به حدود ۴هزار هکتار و تعداد کارخانه‌های چای نیز به چهارده کارخانه رسید.

عکس: مزارع چای لاهیجان در دهه ۴۰ خورشیدی

چای نام درخت و درختچه‌ای است که از برگ آن، یک آشامیدنی بسیار معروف با همین نام درست می‌شود. اگرچه اصل بوته چای از آسیای شرقی است اما از دوران مظفرالدین‌شاه به کوشش یکی از شاهزادگان قاجاری به نام شاهزاده محمد میرزا، ملقب به کاشف‌السلطنه، در ایران نیز کشت شده است. شاهزاده محمد میرزا با آوردن نهال چای از هند و کشت آن در شهرهای لاهیجان و تنکابن، پایه‌گذار محصولی می‌شود که امروزه بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی مردم ایران است. نودوپنجمین سالگرد وفات کاشف‌السلطنه بهانه‌ای شد تا از ورود چای به ایران و مشهد بگویم.

وزیر خارجه وقت با سمت دبیردومی عازم پاریس می‌شود. در سفر سوم اروپایی ناصرالدین شاه به سال ۱۲۰۶ قمری، او که نایب اول سفارت است و به‌عنوان مترجم دکتر فوریه (پزشک تازه‌استخدام شده شاه)، به ایران بازمی‌گردد.

در سال ۱۳۱۱ قمری، محمد میرزا از سوی مؤیدالدوله، پسر حسام‌السلطنه، حاکم خراسان، در تربت حیدریه نایب‌الایاله می‌شود، اما همراهی با مخالفان ناصرالدین شاه که خواهان حکومت پارلمانی هستند، او را به خارج کشور فراری می‌دهد. در پی مرگ ناصرالدین شاه، محمد میرزا امکان بازگشت می‌یابد؛ ضمن اینکه میرزا محسن خان مشیرالدوله، وزیر وقت امور خارجه، نیز او را به‌عنوان سرکنسول در هند منصوب می‌کند.

او در سال ۱۲۷۴ خورشیدی عازم هند می‌شود و فرصت می‌یابد از مزارع چای این کشور که عمده چای ایران را تأمین می‌کنند، بازدید کند. این بازدید باعث می‌شود که درباره کشت چای به مطالعه بپردازد و در پوشش یک تاجر فرانسوی در همین زمینه تحصیل کند. او این توفیق را در حالی به دست می‌آورد که صنعت چای انحصاری است و آموختن آن به مردم دیگر کشورهای شرقی مجاز نیست. او تخمین زده بود که با کشت داخلی چای، می‌توان کشور را در مدت ۱۰ تا دوازده سال خودکف کرد.

حاج محمد میرزا قبل از مراجعت به ایران، مقداری

جمله در سفری به چین صنعت چای آن کشور را مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس علاوه بر آوردن دستگاه‌های جدید، چهار چینی را استخدام می‌کند که همگی در سکونت در گیلان مسلمان می‌شوند و همسران ایرانی هم می‌گیرند. سفر دیگر او به هند است. در بازگشت از همین سفر، با کشتی از بمبئی به مقصد بوشهر حرکت می‌کند، سپس با همراهانش با اتومبیل عازم تهران می‌شود اما روز ۲۱ فروردین ۱۳۰۸ خورشیدی در بین راه بوشهر به شیراز در گردنه «کتل ملو» بر اثر سقوط ماشین به دره کشته می‌شود. بنا بر وصیتش او را بر تپه‌های چای در لاهیجان به خاک می‌سپارند، جایی که اکنون موزه تاریخ چای ایران است.

● چای در مصوبات مهم مجلس

یکی از مصوبات مجلس شورای ملی در ۹ خرداد ۱۳۰۴ قانون اجازه انحصار دولتی قند و چای واخذ دو قران از هر من قند و مواد قندی و شش قران از هر من چای به‌عنوان حقوق انحصاری بود که «خرید و فروش و صدور کلیه چای و قند و شکر و هر چه از قند و شکر ساخته می‌شود که وارد خاک ایران می‌شود، منحصر به دولت است. این انحصار موسوم به انحصار دولتی قند و چای بوده و به هیچ‌کس و به هیچ دولت و به هیچ شرکتی اعم از داخله و خارجه قابل انتقال نیست» و وارد کردن، خریدن، انبارکردن و صادر کردن قند و چای و شکر را به جز مؤسسه انحصار دولتی قند و چای برای دیگران ممنوع می‌کرد، مگر پس از تحصیل اجازه از وزارت مالیه.

این قانون نشان از اهمیت چای در ایران دارد؛ اهمیتی که باعث می‌شود به‌موجب ماده دوم قانون مصوب هفتم مردادماه ۱۳۱۳ (در دوره نهم) برای چای داخلی هم حقوق انحصار وضع و دولت مجاز می‌شود «نسبت به چای داخلی از قرار هر من شش ریال حقوق انحصاری دریافت نماید.»

چای در ساختار حکومتی ایران، نه تنها اهمیت خود را حفظ می‌کند، مهم‌تر نیز می‌شود. تا جایی‌که سازمان چای نیز تأسیس می‌شود. سازمان چای براساس اساس نامه‌اش که ۱۰ خرداد ۱۳۴۵ در دومجلس شورای ملی و مجلس سنا مصوب شده است «به منظور افزایش تولید چای داخلی و تأمین چای مورد نیاز کشور و بهبود کیفیت آن و حمایت از تولیدکنندگان و تهیه و خرید و فروش و صدور انواع چای» تأسیس می‌شود. این سازمان حتی تعداد بورسیه‌های دانشجویان را برای آموزش در صنعت چای کشورهایی چون هند افزایش می‌دهد.



استدعای معزی‌الیه و تصویب جناب اشرف اتابک اعظم، از هذّه السنه قوی ثیل ریاست احتساب را به کاشف‌السلطنه، به انضمام مباشرت امور بلدیة واگذار و مرجوع فرمودیم که به اطلاع و دستورالعمل وزیر مخصوص در این امور به وظیفه خدمتگزاری و دولت خواهی مساعی جمیله را در تدارک موجبات آسایش عموم فراهم نماید. فی شهر جمادی‌الاولی ۱۳۲۵ محل صحه ملوکانه،» از این جهت دکتر اعلم‌الدوله ثقفی که در سلطنت احمدشاه قاجار و در زمان نیابت سلطنت علیرضاخان عضدالملک در فاصله تیرماه ۱۲۸۸ تا شهریور ۱۲۸۹ خورشیدی به ریاست بلدیة تهران منصوب شده‌است، نخستین شهردار تهران نیست. کاشف‌السلطنه در آغاز شهرداری خود، جزوه‌ای به نام «تأییدیه قانون بلدیة» را تنظیم می‌کند که در آن وظایف شهرداری و مأموران آن به تفصیل بیان شده است.



نمونه چای‌های وارداتی از هند به نقل از روزنامه حبل‌المتین هند، ارجب ۱۳۱۴ قمری

منابع:
نمایشگاه مجازی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، گزارش «نگاهی تازه» به تاریخ ورود چای به مشهد، روزنامه شهرآرا، ۲۹ فروردین ۱۴۰۱.
تارنمای مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، مقاله «کاشف السلطنه، بنیان‌گذار بلدیة در ایران»، نوشته شیوا قدیری اصلی